



آتش «چهارباغ» از کنترل خارج شده است

آخرین وضعیت حریق جنگل های چالوس
پس از ناپایداری هوا و وزش باد

روزنامه

سال بیستویکم | شماره پیاپی ۳۲۸۰ | شنبه ۱۴۰۴ آذرماه | قیمت ۵ هزار تومان |

www.payamema.ir

۱



شرکت مهندسی مشاور ایران

۱

تکرار فاجعه

کارشناسان هشدار می‌دهند سد «خرسان ۳» تکرار تصمیمات اشتباه گذشته در دریاچه ارومیه، سد گتوند و بسیاری از پروژه‌هایی است که منجر به تشدید خشکسالی شده‌اند

سدسازی روی استخوان‌های تاریخ

در صورت اجرایی شدن این سد، ۲۶ محوطه باستانی و بزرگترین گورستان عیلامی جنوب کشور زیر آب می‌روند. ۲۷ روستا محو و هزاران نفر آواره می‌شوند. میلیون‌ها درخت بلوط از بین می‌روند

۳ و ۶

یادداشت

شهرداری و حافظه‌زدایی از شهر

اسعدود امیرزاده



افعال محیط‌زیست

شهرها چهره دارند؛ چهره‌ای که خطوط ریز و درشت تاریخ و تمدن شهری، طبیعت و تجربه زیسته مردم در آن حک شده است. همان‌گونه‌که یک صورت انسانی را نه‌فقط به‌خاطر نام، بلکه به‌واسطه خال و چین و خط و حالت نگاهش بازوی‌شناسیم، چهره یک شهر نیز با نشانه‌های منحصربه‌فردش در ذهن ما جای می‌گیرد؛ با سایه یک درخت کهنسال بر ظهر تابستان، با صدای آرام جوی آبی که از کودکی‌مان عبور می‌کرد، با میدان کوچکی که جای قرار و دیدار و یا وداع بود، با بناها و نماهای معماری خاص هر شهر که مثل نشانه‌های خانوادگی نسل به نسل منتقل می‌شدند. اما در دهه‌های اخیر روندی در مدیریت شهری ایران شکل گرفته که کمتر درباره‌اش سخن گفته‌ایم و کمتر اسم و ماهیتش را به‌رسمیت شناخته‌ایم؛ روندی که می‌توان آن را «حافظه‌زدایی سازمان‌یافته» نامید. شهرداری‌ها، خاصه در تهران، به‌جای آن‌که حافظ چهره و حافظه شهر باشند، به‌تدریج بدل به نیروهایی شده‌اند که چهره را پاک می‌کنند، خطوط را می‌زدایند و نشانه‌ها را خاموش می‌سازند.

بافت‌های تاریخی یکی یکی محو شدند؛ خانه‌ها و محله‌هایی که هرکدام روایتی از گذشته شهر بودند، یا با خاک یکسان شدند یا با سازه‌هایی جایگزین شدند که نه زیبایی دارند، نه شخصیت، نه ریشه. دخالت‌های بی‌وقفه در عرصه‌های طبیعی و عمومی، خشکاندن و بریدن درختان کهنسالی که عمرشان از عمر بسیاری از ما بلندتر بوده، دفن کردن جوی‌ها زیر لایه‌های سنگ و سیمان و تخریب آرام اما مداوم مکان‌هایی که حافظه فرهنگی شهر را در خود دارد، همه بخشی از همین پروژه‌اند؛ پروژه‌ای که هدفش ساختن شهری یک‌دست، بی‌چهره و آسان‌بلعیدنی برای سازوکارهای اقتصادی و پیمانکاری است.

تهران نمونه کامل این روند است. شهری که زمانی چهره مشخص و هویت متمایزش از دل باغ‌ها، قنات‌ها، رودرها و

خیابان‌های سایه‌دار شکل گرفته بود، امروز بیشتر شبیه مجموعه‌ای از سکونتگاه‌های یک‌شکل و بی‌هویت است که می‌تواند هر جای جهان باشد و درعین حال، متعلق به هیچ‌جا نیست. میدان‌هایی که زمانی نقطه دیدار و محل مکث بودند، اکنون با بازطراحی‌های بی‌دلیل، روح خود را از دست داده‌اند. میدان ولیعصر تنها یک مثال است؛ میدان تجریش نیز همین سرنوشت را تجربه کرده است. مکان‌هایی که باید حامل حافظه جمعی باشند، امروز به سکوهای سنگی بی‌روح بدل شده‌اند که هیچ ردی از انسانیت و هم‌زیستی در آنها باقی نمانده است. خیابان ولیعصر، این ستون فقرات سبز تهران، سال‌هاست که زیر فشار ختمش‌های غلط مدیریت شهری رنج می‌برد. چنارهای کهنسال این خیابان، که هرکدام سندی زنده از یک قرن تاریخ‌اند، در روندی‌های به‌ظاهر عمرانی اما در عمل تخریبی، دسترسی‌شان به آب مسدود یا محدود شده و خشکیدگی تدریجی‌شان به چشم می‌آید. در شریعتی، جوی‌هایی که بخشی از هویت خیابان بودند، لایه‌لایه زیر سیمان و سنگ دفن شده‌اند؛ هر دوره مدیریتی لایه‌ای تازه بر لایه قبل افزوده، گویی که هدف نه ساماندهی که پنهان کردن اشتباهات پیشین زیر لایه‌های بیشتر است.

پارک‌ها و فضاهای عمومی نیز از این تعرض مصون نمانده‌اند. پارک قیطریه، پارک ملت و ده‌ها فضای سبز دیگر در تهران همواره در معرض تصرف، ساخت‌وساز، تغییر کاربری و کاستن از عرصه سبز بوده‌اند. اینها مکان‌هایی بودند که باید فرصت تنفس باشند؛ اما امروز اغلب به عرصه رقابت پروژه‌ها و منافع پیمانکاری بدل شده‌اند. در بناهای فرهنگی نیز همین روند ادامه دارد. تئاتر شهر این نماد فرهنگی تهران، بارها در معرض دستکاری‌هایی قرار گرفته که بیش از آن‌که احیا باشد، نوعی تخریب تدریجی حافظه جمعی است.

اینها مجموعه‌ای از رخداد‌های پراکنده نیستند؛ قطعات پازلی‌اند که کنار هم یک تصویر هولناک می‌سازند؛ شهری که حافظه‌اش را از دست می‌دهد؛ شهری که دیگر نه نشانی از گذشته دارد و نه تصویری روشن از آینده؛ شهری که میان لایه‌های سنگ و سیمان، میان پروژه‌های بی‌هویت و سازه‌های بی‌معنا، گویی به‌گونه‌ای از آلزایمر شهری مبتلا شده است.

شهر بی‌حافظه، شهر بی‌معناست. جایی که مردم فقط در آن می‌زیزند، نه آن‌که به آن تعلق داشته باشند. شهری که خطوط چهره‌اش زوده شده، دیگر مکانی برای زندگی نیست؛ مکانی برای گذر، برای مصرف، برای سکونت بی‌ریشه و بی‌احساس است.

در برابر این روند، نخستین قدم آن است که آن را ببینیم و نامش را بر زبان بیاوریم. حافظه‌زدایی صرفاً یک خطای مدیریتی نیست؛ پروژه‌ای است که کالبد شهر را از روح تهی می‌کند. قدم بعدی، ثبت و مستندسازی همین نشانه‌های باقیمانده و مقاومت مدنی در برابر روندهایی است که شهر را از چهره و حافظه تهی می‌کنند. درنهایت، بازگرداندن احترام به شهر به تاریخش و به طبیعتش، تنها یک اقدام زیباسازی نیست—ضرورتی برای ادامه زیست شهری خواهد بود، که زیر لایه‌های بی‌پایان مصالح، نفسش کم آمده است.

اما در کنار همه اینها، یکی از خطرناک‌ترین روندهایی که کمتر درباره‌اش حرف زده‌ایم، عمومی‌زدایی از شهر است؛ حذف تدریجی همان «فضای مشترک» یا «اکور»یی که هر شهری برای زنده ماندن به آن نیاز دارد. شهر بدون میدان، بدون پارک‌های سبز، انبوه یا درختان قدیمی، بدون پاتوق‌های جمعی، تبدیل می‌شود به مجموعه‌ای از راهروها و گذرگاه‌ها؛ شهری که در آن «بودن» جای خودش را به «عبور کردن» می‌دهد. اکور فقط یک فضای معماری نیست، حافظه زنده شهر است؛ جایی که مردم یکدیگر را می‌بینند، با هم بحث می‌کنند، آشتی می‌کنند، اعتراض می‌کنند، جشن می‌گیرند و اصلاً شهروند بودن را تجربه می‌کنند. وقتی این فضاها کوچک می‌شوند، بسته می‌شوند، محصور می‌شوند یا زیر عنوان‌های فریبنده ساماندهی و بازطراحی خاموش می‌شوند، شهر به‌تدریج قابلیت اجتماع‌اش را از دست می‌دهد.

عمومی‌زدایی از شهر خصوصی‌سازی تجربه زیستن است؛ فرایندی که مردم را در سلول‌های جداگانه مسکونی محبوس می‌کند و امکان «با هم بودن» را از میان می‌برد. شهری که اکورایش را از دست بدهد، درواقع، روح جمعی‌اش را از دست می‌دهد؛ چون دیگر جایی برای شکل‌گیری گفت‌وگو، مشارکت و حافظه مشترک باقی نمی‌ماند.

دست از خراشیدن چهره شهر و ربودن فضاهای عمومی و حافظه جمعی بردارید؛ تهران و سایر شهرهای ایران فرسوده‌تر از آن‌اند که تحمل ضربات بیشتر بر ذهن و پیکره خود را داشته باشند.

پژوهش‌های علمی می‌گویند

آلودگی مزمن

افزایش مرگ‌های زودرس

۲

«ریسباف» موزه‌ای میان رؤیا و اجرا

روایت کشمکش‌ها، وعده‌ها

و بلاتکلیفی، موزه بزرگ اصفهان



۵

قاب‌های خاطره

چگونه عکس‌ها حافظه شهر را زنده می‌کنند؟

۸

مرگ در کمین کرکس‌ها

استفاده مخفیانه از دیکلوفناک

برای درمان تب‌رفکی دام‌ها

پرنندگان شکاری ایران را تهدید می‌کند

۴

خبر

پزشکیان:

جلب کارآفرینان با همکاری قوه قضائیه متوقف شد



رئیس‌جمهور با اشاره به همکاری سران قوا در زمینه رفع موانع و مشکلات بخش خصوصی، از همکاری قوه قضائیه برای توقف جلب ناگهانی کارآفرینان خبر داد.

«مسعود پزشکیان» در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اتفاق افتاده که کارآفرین پنجشنبه بازداشت می‌شد تا دو روز در زندان بماند و حالش را بگیرند. تولیدکننده که فرار نمی‌کند؛ این مشکل را پیگیری کردیم و با دستور آقای اژدای، در قالب همکاری گروهی از فعالان اقتصادی با دادگاه‌ها، جلب‌های ناگهانی متوقف شد. این یک مثال از وفاق و همکاری قواست.» ایلسا

۱

به چنان قطری برسد. وقتی از نگهبان درباره دلیل قطع این درختان پرسیده شد، او شروع به تهدید کرده و گفته است «همه این درختان قرار است خشک و زمین صاف شود» و اجازه تصویربرداری نداده است.

قطع درختان تهران امروز یکی از مهمترین دغدغه‌های فعالان محیط‌زیست شده است. فرایندی که شهرداری از سال ۱۴۰۳ شروع کرده است؛ قطع درختان در خیابان ولیعصر، بوستان‌هایی همچون چیتگر، قیطریه، لاله و سرخه‌حصار قطع درختان حتی به دانشگاه‌های تهران هم رسید، اما کسی نیست که چرایی آن را پاسخگو باشد. باید دید چه اتفاقاتی در پشت پرده قطع درختان پاپتخت وجود دارد.

قطع درختان، این بار در خیابان عباس‌آباد

می‌شوند. همچنین، در این چهارراه باغچه‌ای پر از پیراکانتا(شیرخشت)، شمشاد و درختچه وجود دارد، اما تماماً صاف، سیمان‌ریزی و بلوک‌گذاری شده است. علاوه‌برآن، در خیابان خواجه عبدالله انصاری، در تقاطع خیابان تیسفون و پنجم، زمینی قرار دارد که قبلاً خانه سالمندان بود، اما بعد از به فروش رفتن، تمام درختان آنجا خشک شدند. با این‌همه، در آن خانه سالمندان صابونچی نیز تعدادی نارون مسن و قطنور سبز درختی کند رشد است و سال‌های سال طول می‌کشد تا

و جوی‌های سالم و پیاده‌رو برای بازسازی کنده شده‌اند. مشاهدات خبرنگار «پیام ما» نشان می‌دهد ریشه درختان از خاک بیرون افتاده و شوک شدیدی به آنها وارد شده است. این بهسازی پیاده‌راه که منجر به قطع درختان شده، به‌صورت تکه‌تکه، از چهارراه قصر شروع شده است و تا خیابان ولیعصر ادامه دارد.

اهالی محل به «پیام ما» می‌گویند در تقاطع خیابان صابونچی نیز تعدادی نارون مسن و قطنور سبز به‌گونه‌ای هرس و سرزنی شده‌اند تا سال بعد خشک

انگین شریفی



اخرین‌گزار

خبر قطع درختان میدان تجریش، خیابان ولیعصر خیابان شریعتی، خیابان فلسطین و پارک لاله را همه شنیده‌ایم، اما این بار در خیابان عباس‌آباد درختان قطع

خبر

مراقبان سلامت به جای مشاوران در مدارس ابتدایی

مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه دوره بلوغ هم برای دختران و هم برای پسران بسیار مرحله حساسی به‌لحاظ تغییرات هیجانی، جسمانی و روانی است، از حضور مراقب سلامت در مدارس ابتدایی به‌جای مشاور خبر داد.

«سمیه سادات ابراهیمی»، با بیان اینکه
 سن بلوغ در دختران پایین آمده است،
 گفت: «برای دانش‌آموزان پایه هفتم کتاب
 تفکر و سبک زندگی در نظر گرفته شده، اما
 برای دانش‌آموزان دبستانی در بحث بلوغ،
 مراقبین سلامت به موضوع ورود می‌کنند تا
 آموزش‌های ویژه بلوغ را به دانش‌آموز ارائه
 دهند.»

اوبا بیان اینکه مراقب سلامت همان مربی بهداشت مدرسه است که آموزش‌ها را کامل به دانش‌آموز ارائه می‌دهد، «به‌رغم ضرورتی که مشاور برای مدرسه ابتدایی وجود دارد، در مدارس ابتدایی مشاور نداریم و تعداد محدودی مدارس هستند که مشاور به آنها تعلق می‌گیرد.»

مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی برای مدیر و همکاران را هم باید مراقب سلامت انجام دهد، ادامه داد: «اطلاع‌رسانی ما در حد مدرسه مدرسه است و البته در برخی مدارس ابتدایی رابط مشاور هم داریم که با آنها کار را انجام می‌دهیم.»

ابراهیمی اظهار کرد: «حقیقتاً دوره بلوغ هم برای دختران و هم برای پسران بسیار مرحله حساسی به لحاظ تغییرات هیجانی، جسمانی و روانی است.

در همین راستا، موشن‌های بسیاری در مورد اینکه خود دانش‌آموز چطور مراقبت جسمانی و روانی و هیجانی از خود را داشته باشد و چطور با این تغییرات کنار بیاید و آنها را بپذیرد، پخش کرده‌ایم.»^{۱۱} ایسنا

[illegible]

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه سه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۸۱۴/۱۰۱۱۰۸۱۴ مورخ ۱۴۰۶/۰۳/۱۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هوشنگ لسان خوش اقدام بشناسنامه شماره ۱۴۶۸ صادره از تهران فرزند حسن در ۷/۵ دانگ مشاع از ششدانگی یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۸۰۸/۲۳ مترمربع فروز از پلاک شماره ۵۴۳ فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم کتابین صرافیان و آقای کامران صرافیان و با مالکیت مالکین اولیه خانم کتابین صرافیان و آقای کامران صرافیان تأیید می نماید؛ لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب رد دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضاتی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.		اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی نظیر به دستور مواد ۱ و ۳ و قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در حیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی اما مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد: املاک متقاضیان واقع در بخش نب ثبت اصل - دهبستان لیکنکو ۱۹ اصلی (قریه کااسب محله) ۱۳۲ فرعی آقای عباس سمزداده در ششدانگی یک قطعه زمین با بنای احداثی با کاربری ۲۲۷،۲۶ مترمربع مسکونی و ۲۵۰ مترمربع کشاورزی و زراعی و ابقاق معبر مساحت ۴۹۲،۲۶ مترمربع خریداری شده بلاواسطه از حبیب اله راز کااسب و معالوسطه از عباس زرگر و علی زرکار. لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آیین نامه مربوطه این آگهی رد دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلّی و گسترانتشار در شهرها منتشر و روستاهای ای حیات الصق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصقا رد محل در اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسد اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضات قبل از تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ادبیاد و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد در این صورت اقدامات ثبت بموجب به ارائه حکم تعلیق دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی ملو نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبارزت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۶/۰۹/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۶/۰۹/۱۵		استان کرمان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه قونینه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هوشنگ لسان مساحت ۸۰۸/۲۳ مترمربع فروز از پلاک شماره ۵۴۳ فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم کتابین صرافیان و آقای کامران صرافیان و با مالکیت مالکین اولیه خانم کتابین صرافیان و آقای کامران صرافیان تأیید می نماید؛ لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب رد دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضاتی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۶/۰۹/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۶/۰۹/۱۷		حسن صالحی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک استان نشانه آگهی: ۲۵-۹۳۷		حسین رضا نوری شاد - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج از طرف محمدابراهیم بحیرایی - شناسه آگهی: ۲۰۴۹۹۶۴

خریداری از مالک علی بلوچ گریاب مومنی محرز گردید؛ اسفند ۱۵ بهمنظر اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به قاضی ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید بابت مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده ۱۳ قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد: املاک متقاضیان واقع در قریه خرماکلا پلاک ۱۱ اصلی بخش ۵ ۴۴۹ فرعی بنام شرکت فروشگاهی دهکده سبز بلاجن نسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۲۰۸ مترمربع خریداری مع واسطه از آقای سید مرتضی موسوی مالک رسمی لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / انتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص بیغض به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. متعرض این طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادارت به تقدیم دادخواست به دادگاه محلی نماید و گاهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبتی موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض را موقت قانونی واصل نگردد یا متعرض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت نمی نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.	نوبت اول 	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه سه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۸۰/۴۴۶۰۳۳۹۱۱۰۰۸۱۸۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین بهاریان بشناسنامه شماره ۴۷۱۸ صادره از همدان فرزند علی در ۴/۲۵ دانگ ششاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۸۰۸/۲۲ مترمربع مغروز از پلاک شماره ۵۴۳۳ فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم کتایون صرافیان و آقای کامران صرافیان و محمد بهاریان و با مالکیت مالکین اولیه خانم کتایون صرافیان و آقای کامران صرافیان تایید می نماید؛ لذا بهمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید بابت مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	نوبت اول 	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۹/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۹/۱۷ حسین رضا نوری شاد - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج از طرف واحد املاک بحیرایی - شناسه آگهی: ۲۰۴۹۹۳۴	نوبت اول 

خفه شدن محیط‌زیست، حقوق جامعه محلی و میراث‌فرهنگی در مخزن خرسان ۳

تکرار فاجعه

کنشگر محیط‌زیست: تجربه انتقال آب در کشور نشان داده است هر بار یک حق جدید برای مصرف ایجاد می‌شود و دولت تحت هر شرایطی باید این حق را تأمین کند، حتی به قیمت تخریب تالاب‌ها و خشکیدن رودخانه‌ها و آوارگی مردم



شرکت مهندسین مشاور آیان

ایپام ما| «خرسان۳»، سدی است با تبعاتی بی‌شمار بر محیط‌زیست، جامعه محلی و میراث‌فرهنگی! اما آنچه درباره این سد تاکنون مغفول مانده، همین سه گزینه است. در گفتمان مسئولان اغلب بر ضرورت تأمین آب به سایر مناطق تأکید می‌شود. نگاهی به پژوهش‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته‌شده با کلیدواژه «سد خرسان ۳» هم نشان می‌دهدکل مسئله در حد یک بحث فنی زمین‌شناسی، ژئومکانیک و... تقلیل یافته است. کارشناسان هشدار می‌دهند با این دست‌فرمان، آینده «دنا» همچون امروز «دریاچه ارومیه» خواهد بود.

«امید سجادیان»، کنشگر محیط‌زیست، معتقد است خرسان ۳ از ابتدا فاقد ارزیابی محیط‌زیستی معتبر بوده و حتی مصوبه سال ۹۶ هیئت وزیران که به آن استناد می‌شود، هیچ ارزش اجرایی ندارد. «آن زمان پروژه نه پیشرفت فیزیکی واقعی داشت و نه بررسی‌های لازم برای صدور چنین مجوزی انجام شده بود. مصوبه‌ای که باید برای یک پروژه دارای پیشرفت صادر می‌شد، در حالی تصویب شد که کل پیشرفت سد به کانکس و دو مسیر جاده‌کشی محدود بود و یک سال بعد هم فقط هفت درصد اعلام شد. بدتر اینکه آن مصوبه فقط برای احداث یک نیروگاه برقابی صادر شده بود، اما بعدها انتقال آب به طرح اضافه شد که به‌طور قطعی مجوز قبلی را باطل می‌کند. یعنی حتی در همان سال ۹۶ هم این پروژه مجوز واقعی و قابل‌اتکا و قانونی نداشت.»

به‌گفته سجادیان، به همین دلیل دادگاه تجدیدنظر امروز تأکید می‌کند پروژه نه‌تنها فاقد مجوز محیط‌زیستی است، بلکه اساساً روند تصویب اولیه آن مخدوش بوده و هیچ‌یک از الزامات قانونی رعایت نشده است. «دو استان کهگیلویه‌وبویراحمد و چهارمحال‌وبختیاری نیز رسماً اعلام کرده‌اند با ارزیابی‌نشدن طرح و انتقال آب مخالف بوده‌اند. این یعنی وزارت نیرو سال‌ها

نخا کارشناس

ساخت سدهای غیرقانونی در بالادست کارون



ا بهنام اندیک‌ا

ا پژوهشگر آب ا

«در مورد سد خرسان ۳ تاآنجاکه من از جلسه متوجه شدم، با توجه به تبعات اجتماعی‌ای که این سد بر تعداد زیادی از روستاها می‌گذارد، قرار شد دانشگاه تهران موضوع را بررسی کند. یعنی آقای دکتر پزشکیان نگاهشان نگاه کارشناسی به موضوع است [...] چون دیدند این دغدغه وجود دارد که ممکن است تعارض اجتماعی ایجاد کند، این موضوع را احاله دادند به دانشگاه. در مورد سد ماندگان هم قرار شد انتقال بهشت‌آباد از دستورکار خارج شود. ولی هنوز در مورد ماندگان سازمان حفاظت محیط‌زیست نظر قطعی نداده‌است.» اینها صحبت‌های «شینا انصاری»، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور، است که در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (پاد) و در پاسخ به سؤالی در مورد خبر «دستور پزشکیان در مورد تکمیل سه سد برای مدیریت آب اصفهان، یزد و چهارمحال‌وبختیاری» بیان شده؛ خبری که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) از جلسه «بررسی راهکارهای رفع چالش‌های آبی با تمرکز بر چهار استان مرکزی کشور» در روز دوشنبه، ۱۹ آبان ۱۴۰۴، به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور وزرای نیرو، جهادکشورزی، علوم، تحقیقات و فناوری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، اساتید و نخبگان دانشگاهی و استانداران استان‌های اصفهان، یزد، چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبویراحمدمنتشر کرد.

گزارش یک دانشگاه

در خبر خبرگزاری ایرنا آمده «در این جلسه، گزارش جامعی از

محیط‌زیست

یک حق جدید برای مصرف ایجاد می‌شود و بعد دولت تحت هر شرایطی باید این حق را تأمین کند؛ حتی به قیمت تخریب تالاب‌ها و خشک‌شدن رودخانه‌ها و آوارگی مردم.»

به‌گفته این کنشگر محیط‌زیست، خرسان ۳ در حالی احداث می‌شود که استان‌های مبدأ خود با کمبود آب شرب مواجه‌اند و روستاهای زیادی با تاخر تأمین آب می‌شوند. «ادامه این روند نه توجیه اقلیمی دارد، نه پایداری اقتصادی، نه پشتوانه علمی. وزارت نیرو در سال‌های اخیر بدون توجه به تغییر اقلیم و کاهش آورد رودخانه‌ها بر انتقال آب بین‌حوضه‌ای اصرار کرده و همین پافشاری امروز به بحرانی گسترده تبدیل شده است. حتی حساسیت‌های اخیر مردم درباره تعیین تکلیف زمین‌ها نیز از همین بی‌اعتمادی ناشی می‌شود. پروژه‌ای که سال‌ها بدون مجوز، بدون ارزیابی و بدون صداقت پیش رفته، امروز نمی‌تواند انتظار آرامش اجتماعی داشته باشد.»

لغو مجوز سد خرسان ۳ از نظر سجادیان یک تصمیم ناگهانی نبود، نتیجه انباشتی از خطاها و ابهام‌ها و پنهان‌کاری‌هایی است که از سال ۹۶ تا امروز ادامه داشته. پروژه‌ای که از ابتدا ارزیابی نداشت، پیشرفت واقعی نداشت، مجوزش برای یک کاربری صادر و بعداً تغییر داده شد و هیچ‌یک از وعده‌های جبرانی‌اش عملی نشد، نمی‌توانست ادامه پیدا کند.

آینده دنا، شبیه دریاچه ارومیه است

«محسن فرزین»، عضو هیئت‌علمی دانشگاه یاسوج و دکترای آبخیزداری دانشگاه تهران، در گفت‌وگویی در ۲۸ آبان با «کبنانیز» رسانه محلی یاسوج اعلام کرد سدهای در حال ساخت اطراف دنا، به‌ویژه سد خرسان ۳ و سد ماندگان، بزرگ‌ترین فاجعه محیط‌زیستی ایران پس از دریاچه ارومیه خواهند بود و از سد گتوند نیز بدترند.

او معتقد است: «سد خرسان ۳ هم دقیقاً همان مسیر گتوند را می‌رود، بلکه بدتر؛ نه اینکه شور می‌شود، بلکه تأثیر این سد بر اکوسیستم دنا، بشار مارگون و حتی خوزستان به‌قدری عظیم و جبران‌ناپذیر است که به‌عنوان عضو هیئت‌علمی دانشگاه، اگر امروز سکوت کنم، بعداً خودم را نمی‌بخشم.»

فرزین با اشاره به اینکه به‌عنوان استاد دانشگاه و متخصص آبخیزداری، دسترسی به داده‌های پایه پروژه ندارد، از محرمانه بودن این داده‌ها گلّه می‌کند: «می‌گویند «محرمانه است»! آب که محرمانه نیست؛ چرا طول دریاچه، حجم مخزن، مطالعات زمین‌شناسی و زیست‌محیطی باید محرمانه باشد؟ اطلاعاتی که به‌صورت غیررسمی به دستمان رسید، وحشتناک است؛ طول دریاچه سد خرسان ۳ حدود ۴۰ کیلومتر خواهد بود، با عرض متوسط سه کیلومتر؛ یعنی حدود ۱۱۰ کیلومترمربع (۱۲ هزار هکتار فقط سطح دریاچه)؛ یکی از دلایل علمی اصلی فاجعه خرسان ۳، از نظر این مدرس دانشگاه، غرق شدن دو تا شش میلیون درخت بالغ بلوط و گونه‌های بومی است.»

«تزییق رطوبت دائمی به هوای محلی تغییر رژیم بارش از برف پایدار به باران سیل‌آسا را به‌همراه دارد که باعث کاهش شدید بارش مؤثر و شارژ سفره‌های زیرزمینی می‌شود.»

نظر فرزین، نابودی کامل اکوسیستم منحصربه‌فرد دنا که «قلب منابع طبیعی و آب‌ساز ایران» است، افزایش شدید خطر زلزله القایی در منطقه فوق‌العاده لرزه‌خیز زاگرس به‌دلیل وزن نوسانی بیش از سه میلیارد تُن آب و رسوبات، جابه‌جایی اجباری ده‌ها روستا، غرق‌شدن آثار

باستانی، قبرستان‌ها و مزار شهدا، تبدیل آب دنا و زاگرس به «حقاب‌ه مسلم» برای چمن‌کاری، صنایع آب‌بر فولاد و پتروشیمی و فضای سبز شهرهای بیابانی فلات مرکزی، از دیگر تبعات ساخت خرسان ۳ است. «اگر این سدها ساخته شود، ۲۰ سال دیگر یاسوج بیابان می‌شود.»

به‌گفته او، ما دقیقاً در همان نقطه‌ای هستیم که ۴۰ سال پیش کنار دریاچه ارومیه بودیم؛ ۲۰ سال دیگر عکس قبل و بعد دنا در کتاب‌های درسی دنیا است با عنوان نمونه «اقدام نابخردانه بشر». هنوز فرصت انتخاب داریم که در تاریخ به‌عنوان «نمونه موفق مدیریت پایدار» ثبت شویم، نه «دومین فاجعه ارومیه».

*** ساخت سد متوقف نشده است**

این روزها در صداوسیما ی استان کهگیلویه‌وبویراحمد نیز برنامه‌ای پخش شد که در آن «فتاح محمدی»، معاون سیاسی استانداری کهگیلویه‌وبویراحمد، اعلام کرد از پاییز ۱۴۰۳ تاکنون مکاتبات مستمر با ریاست‌جمهوری، معاون اول و دبیر هیئت دولت انجام شده و بر لزوم ارزیابی جامع محیط‌زیستی و اجتماعی تأکید شده است. «رئیس‌جمهور پزشکیان دستور داده دانشگاه تهران با هماهنگی دانشگاه‌های استان‌های ذی‌نفع مطالعات جامع را سریع انجام دهد.»

در این برنامه «رحمان وفائزاد»، فعال محیط‌زیست که از دیگر منتقدان ساخت خرسان ۳ است، گفت:

«گزارش تحقیق و تفحص مجلس ۱۴۰۲؛ سد خرسان ۳ حتی یک برگ استعلام واقعی ندارد و گزارش‌هایش غیرقابل‌قبول است.» انتقال اهالی روستای مرزی طلاویه به چهارمحال‌وبختیاری به‌منظور ساخت پدنه سد در این روستا و آوارگی ۱۰ هزار نفر که هیچ زمین جایگزینی در استان کهگیلویه‌وبویراحمد برای آنها وجود ندارد، از دیگر دلایل مخالفت وفائزاد بود.

«آرش مصلح»، مدیرعامل آب‌منطقه‌ای استان کهگیلویه‌وبویراحمد، نیز خبر داد تخصیص آب اصفهان از سد خرسان ۳ کاملاً صفر شده است. هرچند این استان همچنان سهم خود را در حوضه کارون دارد و حالا از طریق سد ماندگان یا بندهای انحرافی می‌خواهد بردارد. او اعلام کرد: «جلسه نهایی در دفتر رئیس‌جمهور برگزار شد و فعلاً ساخت سدها متوقف نشده، فقط منتظر نتیجه مطالعات دانشگاه تهران هستند.»

«دانشگاه خرسان ۳ تنها از ابعاد فنی می‌بیند

خرسان ۳ تنها یک پروژه مهندسی نیست، باین‌حال نگاهی به پایگاه اطلاع‌رسانی «علم‌نت» نشان می‌دهد پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی که تاکنون درباره خرسان ۳ منتشر شده، تنها همین وجه را مدنظر قرار داده‌اند. اگر کلیدواژه «سد خرسان ۳» را در این پایگاه جست‌وجو کنید، به ۲۴ مطالعه می‌رسید؛ پایان‌نامه‌ها و مقالاتی با موضوعاتی نظیر «ارزیابی ویژگی‌های زمین‌شناسی مهندسی سازند گچساران به‌منظور نشت آب (مطالعه موردی مخزن سد خرسان ۳)»، «تحلیل پایداری تونل‌های آب بر نیروگاه سد خرسان ۳»، «بررسی خصوصیات زمین‌شناسی مهندسی سد خرسان ۳»، «ارزیابی ژئومکانیکی ساختگاه سد خرسان ۳ و تونل انحراف آن» و... این مقالات و پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد هنوز در دانشگاه‌ها، کنفرانس‌های علمی و سایر نهادهای علمی مسئله خرسان ۳ تبدیل به مسئله‌ای چندوجهی نشده است و همچنان در گزاره‌های زمین‌شناسی، ژئومکانیک و سایر حوزه‌های فنی مجامع علمی قرار دارد.

ایران، خواهد شد. در واقع سه روایت متناقض پیش‌گفته نشان می‌دهد تصمیم برای ساخت این سدها اتخاذ شده است و این‌بار نیز نام دانشگاه تنها برای توجیه اقدامات خارج از چارچوب مصرح قانونی وزارت نیرو به میان آمده است. اقداماتی که نه‌تنها مشکل آب در استان اصفهان را حل نخواهد کرد؛ بلکه خود سبب‌ساز چالش‌های محیط‌زیستی و امنیتی در پایین‌دست خواهد شد. درواقع، اگر ناترازی‌های آب در یک حوضه با بحث‌های انتقال بین‌حوضه‌ای حل می‌شد، مطالعات علمی متعدد حاکی از آن نبود که پروژه‌های انتقال بین‌حوضه‌ای تنها به‌مثابه یک مسکن موقت با تبعات بالا عمل می‌کنند. شادری براین مدعا در خود حوضه زاینده‌رود است. اگر قرار بود با انتقال آب از سرشاخه‌های کارون که در وضعیت کنونی خود دچار چالش‌های متعدد است، مشکل آب شرب سالانه حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب در سال حوضه زاینده‌رود حل شود، پروژه‌های انتقال آب کوه‌رنگا با ۳۲۲ میلیون مترمکعب ظرفیت انتقال آب (بهره‌برداری‌شده در سال ۱۳۲۳)، تونل کوه‌رنگ ۲ با ۳۲۶ میلیون مترمکعب (بهره‌برداری‌شده در سال ۱۳۶۸)، تونل چشمه‌لنگان با ۱۲۰ میلیون مترمکعب و... می‌تواستند این ناترازی را حل کنند و نیازی به این پروژه‌های جدید با چنین تبعاتی نباشد.

توجیه اقدام‌های غیرقانونی

به‌نظر می‌رسد این‌بار نیز مجموعه دولت برای توجیه طرح‌های غیرقانونی خود با تعریف پروژه‌ای برای دانشگاه تهران تلاش دارد قدری از تقصیر عواقب پیشبرد تصمیمات جنجال‌برانگیز خود را به دوش دانشگاه تهران بیندازد و اعتبار علمی این نهاد ۹۰ساله را خرج پیشبرد طرح‌های محکوم به شکست خود کند. اگر اظهارات شینا انصاری درست باشد، باید از مدیران دانشگاه تهران خواست نتایج ارزیابی‌های خود را همچون طرح سیلاب به‌صورت رسمی منتشر کند. انتظار می‌رود این نهاد مرجع در کشور کامکاب به‌صورت نهادی مستقل از دولت عمل کند و اجازه ندهد تنها به‌صرف اجرای چند پروژه در قالب طرح‌های ارتباط دانشگاه با صنعت، اعتبارش برای توجیه اقدامات بخشی از دولت صرف شود.

یادداشت

تناقض در دستورات رئیس‌جمهور



امحسوسوسوی خوانساری ا

ادبیرکمیته ملی سدهای ایران ا

کاهش چشمگیر بارش‌ها و به‌دنبال آن، کاهش منابع آب در دسترس و خالی شدن سدهای مخزنی در صدر اخبار جاری کشور است. بنابراین، طبیعی است که مقامات ارشد کشور برای رفع بحران کم‌آبی اخیر جلسات متعدد و گاه همراه با تعجیل برگزار و دستوراتی صادر کنند و صلاح عمومی جامعه مغفول بماند.

اخیراً رئیس‌جمهور محترم دستوری صادر کرده‌اند که باعث تعجب و نگرانی جمعی از کارشناسان آب کشور شد. جناب آقای دکتر پزشکیان در نشست بررسی چالش‌های آبی چهار استان کشور از یک‌طرف فرمایشی دارند که روند احداث و تکمیل سه سد بزرگ کوه‌رنگ ۳، خرسان ۳ و ماندگان با شتاب بیشتری در دستورکار قرار گیرد و از طرف دیگر، به حوضه‌های آبریز ۹گانه کشور اشاره کوتاهی می‌کنند.

درواقع، دستور اکید مقام عالی اجرایی کشور برای احداث و تکمیل سه سد مخزنی بزرگ از نوع همان روش‌های دستوری منسوخ‌شده گذشته برای اجرای طرح‌های عمرانی، بدون درنظرگرفتن دیگر جنبه‌های آن، از جمله مسائل فرهنگی، اجتماعی و رعایت اصول زیست‌محیطی است. تناقض از آنجا شروع می‌شود که ایشان پیشنهاد می‌کنند دانشگاه‌های مناطق ۹گانه حوضه‌های آبریز کشور نیز به فرایند مطالعاتی و تحقیقاتی مسائل حکمرانی آب کشور بپیوندند. این بدان معنی است که از یک‌طرف ظرفیت حوضه‌های آبریز و حکمرانی آب کشور در قالب حوضه‌های آبریز ۹گانه ذیل وزارت نیرو مورد نظر رئیس‌جمهور است، ولی از طرف دیگر، دستور احداث و تکمیل سه سد مخزنی بزرگ را در حوضه آبریز بزرگ را رأساً صادر می‌کنند.

این درحالی‌است که کارشناسان خبره آب کشور مکرراً بر لزوم رویکرد حوضه‌ای و اتخاذ مدیریت یکپارچه منابع آب حوضه‌های آبریز در مدیریت آب و پرهیز از دخالت‌های صرفاً سیاسی در تصمیمات تأکید کرده‌اند. متأسفانه یکی از این سه سد مخزنی که احداث آن مورد تأکید رئیس‌جمهور محترم قرار گرفته، به‌نام سد ماندگان، در محدوده شهرستان سمیرم و نزدیک به کوه دنا، نه‌تنها تاکنون مجوزهای لازم زیست‌محیطی را اخذ نکرده، بلکه هم‌اکنون دارای مشکلات اجتماعی عدیده است.

پروژه سد ماندگان از همان آغاز با ابهام و اعتراض همراه بود، تا جایی که سازمان حفاظت محیط‌زیست هنوز مجوز زیست‌محیطی آن را صادر نکرده، ولی در این روزها شاهدیم که عملیات اجرایی سد ماندگان وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ مرحله‌ای که بیش از هر زمان دیگر، نقض آشکار قانون و بی‌اعتنایی به ساختار رسمی تصمیم‌گیری در حوزه آب کشور را نشان می‌دهد.

براساس اطلاعات رسمی منتشرشده در سامانه شرکت تأمین آب اصفهان به‌عنوان مجری پروژه، در ماه‌های اخیر سه مناقسه جدید برای پروژه مرتبط با سد ماندگان و انتقال اضطراری آب شرب اصفهان شامل مناقصه تأمین شیرهای مورد نیاز طرح سامانه تأمین و انتقال اضطراری آب شرب، احداث پیش فرازبند و نشیب بند سد ماندگان و اجرای عملیات ساختمانی و برقی پست‌های فوق توزیع و انتقال برق سامانه تأمین و انتقال اضطراری آب شرب از منابع جنوبی استان به شهر اصفهان (ماندگان) برگزار شده است.

این مناقصه‌ها در حالی انجام شده که معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده است سد ماندگان تاکنون مجوز زیست‌محیطی دریافت نکرده و هر نوع عملیات اجرایی برای آن قبل از صدور مجوز قانونی است. قابل ذکر اینکه ظاهراً پروژه سد ماندگان در فهرست پروژه‌های دارای ردیف اعتباری مصوب وزارت نیرو نیز قرار ندارد و مجری‌ای طرح یک شرکت با هدف تأمین آب شهر اصفهان معرفی شده است.

به‌طور کلی، از رئیس‌جمهور محترم به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور درخواست می‌شود برای هرگونه اظهارنظر در مورد مطالعه یا اجرای سدهای مخزنی کشور به‌عنوان عامل تغییرات اصلی در رواناب و اکوسیستم‌های حوضه‌های آبریز، ابتدا نظرات مدیر حوضه آبریز ذی‌ربط را اخذ کند و سپس دستوراتی مبنی‌بر احداث یا تکمیل و تسریع اجرای طرح‌های تأمین آب در یک حوضه آبریز را صادر کند.

به یاد داشته باشیم تغییر واقعی در حکمرانی آب و رفع ناترازی‌های موجود در آب کشور فقط با پشتیبانی و احترام به تصمیمات مدیریت حوضه‌های آبریز ۹گانه ذیل وزارت نیرو امکان‌پذیر است و در رابطه با اجرای سد ماندگان قطعاً نظرات در پایین‌دست این سد، یعنی جامعه دو استان خوزستان و کهگیلویه‌وبویراحمد، در حوضه آبریز کارون بزرگ نیز مهم و حیاتی است.

| یادداشت

خرسان ۳ تهدیدی برای میراث فرهنگی وطبیعی



ابرو خال‌دی

| کارشناس میراث فرهنگی ا

سد خرسان ۳، پروژه‌ای عظیم در حال ساخت در مرز استان‌های چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبوییراحمد است که با هدف انتقال آب به استان‌های یزد، اصفهان و شمال فارس تعریف شده‌است واز منظر توسعه اقتصادی و مهندسی اهمیت دارد. اما بررسی‌های میراث فرهنگی و طبیعی نشان می‌دهد این پروژه، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و زیستی، تبعاتی جدی و غیرقابل‌باگشت برای منطقه خواهد داشت. محل احداث سد در مناطق چهارگانه محیط‌زیست قرار دارد و شامل زیستگاه‌های ارزشمند گونه‌های گیاهی و جانوری، به‌ویژه جنگل‌های بلوط، است که نقش کلیدی در تثبیت خاک، حفظ تنوع‌زیستی و انتقال تجربه زیستی چندصدساله انسان با محیط طبیعی دارند. تغییر تراز آب رودخانه‌ها، آبرگیری مخزن و نوسانات محیطی، علاوه‌بر محوطه‌ها و گورستان‌های تاریخی، می‌تواند باعث ازبین‌رفتن بلوط‌ها، نابودی زیستگاه‌های طبیعی و تخریب اکوسیستم‌های حساس شود؛ از منظر میراث‌فرهنگی، پروژه حدود ۲۹ اثر تاریخی و فرهنگی را تحت‌تأثیر مستقیم قرار می‌دهد، شامل «محوه باستانی لاما» (ثبت ملی ۱۷۵۵) متعلق به هزاره دوم و هزاره اول قبل از میلاد، «گورستان له‌سوار سادات محمودی پاتاوه» و «گورستان ده‌پایین» (ثبت ملی ۲۹۶۰)، که اطلاعات ارزشمند آنها درباره زندگی، باورها و مناسک اجتماعی جوامع گذشته هنوز به‌طور کامل مستندسازی نشده است. تخریب این محوطه‌ها و بلوط‌ها، علاوه‌بر از دست‌رفتن میراث طبیعی و تاریخی، موجب ازبین‌رفتن حافظه فرهنگی و تجربه زیستی منطقه خواهد شد. زیرا هویت فرهنگی و طبیعی جوامع انسانی با این محوطه‌ها و جنگل‌های بلوط درهم‌تنیده است. جابه‌جایی روستاها و جوامع محلی نیز خطر از دست‌رفتن دانش بومی، آداب و رسوم مرتبط با محیط‌زیست و فرهنگ محلی را افزایش می‌دهد. توسعه‌ای که بدون شناخت، حفاظت و مستندسازی میراث فرهنگی وطبیعی‌پیش رود، از نظر پایداری و ارزش واقعی، به‌وضوح با هزینه‌های جبران‌ناپذیر همراه است و هرگونه موفقیت فنی واقتصادی در کوتاه‌مدت، نمی‌تواند جبران کند. از این منظر، لازم است قبل از ادامه ساخت، برنامه‌ای جامع شامل کاوش‌های نجات‌بخشی محوطه‌ها، حفاظت از جنگل‌های بلوط وزیستگاه‌های طبیعی، مستندسازی دقیق آثار تاریخی و طبیعی و مشارکت فعال جامعه محلی تدوین شود تا اطلاعات ارزشمند تاریخی و زیستی حفظ شود و تبعات پروژه به حداقل برسد. به‌عبارت دیگر، ارزش واقعی این پروژه زمانی محقق می‌شود که توسعه با حفاظت میراث طبیعی، زیستی و فرهنگی هماهنگ باشد و در غیر این‌صورت، هزینه‌های غیرقابل‌باگشت آن، هم در بُعد تاریخی و فرهنگی و هم زیستی، می‌تواند فراتر از منافع توسعه‌ای باشد و پروژه را از نظر کارشناس میراث‌فرهنگی به‌گزینه‌ای با ارزش مشکوک بدل کند.

| خبر

ورود وزارت راه پرورنده «مروی ستر»

معاون شهرداری و معماری وزارت راه‌وشهرسازی و دبیر شورای‌عالی شهرسازی و معماری از شهرداری تهران خواست پرورنده مروی‌ستر به کمیسیون ماده ۵ ارجاع و به تخلفات احتمالی رسیدگی شود. «غلامرضا کاظمیان»، دبیر شورای‌عالی شهرداری و معماری در نامه‌ای از معاون شهرداری و معماری شهرداری تهران خواسته است با توجه به ثبت ملی بافت تاریخی عودلاجان، پرورنده مروی‌ستر با سرعت رسیدگی و موارد مغایر با ساخت‌وساز در بافت تاریخی و ثبت‌ملی‌شده عودلاجان احصا و اصلاح شود. در این نامه آمده است: «عطف به اقدامات اجرایی صورت‌گرفته در حريم اثر ثبت جهانی کاخ گلستان و هشدارها مبنی‌بر عدم رعایت ضوابط حريم اثر ثبتی و تهدید فرونشست و نظر به ضرورت حفاظت از اصالت و یکپارچگی کاربردی و منظری کاخ گلستان و بافت تاریخی محله عودلاجان ضروری است در اسرع‌وقت با هماهنگی کامل وزارت میراث‌فرهنگی نسبت به بررسی فنی و حقوقی موضوع اقدام و نتایج به انضمام مصوبات کمیسیون ماده ۵ و پروانه پروژه‌ها (در مقایسه با ضوابط حريم کاخ گلستان) به این معاونت منعکس شود.» کاظمیان اعلام کرده است: «در چارچوب مفاد قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی و درباره بافت تاریخی محله عودلاجان هرگونه تهیه طرح، صدور مجوز اقدام اجرایی و بررسی موضوعات در کمیسیون ماده ۵، باید در چارچوب ضوابط عمومی حفاظت از بافت‌های تاریخی و ضوابط اختصاصی ثبت بافت تاریخی محله مذکور در فهرست آثار ملی انجام و موارد مغایر احتمالی به‌قید فوریت احصا و اصلاح شود.» ایلنا



احسان خال‌دی

۲۶ محوطه باستانی و بزرگ‌ترین گورستان عیلامی شناخته‌شده در جنوب کشور

با آبرگیری سد خرسان زیر آب می‌رود

سدسازی روی استخوان‌های تاریخ

کارشناسان میراث‌فرهنگی: سد خرسان ۳ ممنوعیت قانونی دارد

ایپام ۱۱ا رویکرد نامتوازن در توسعه علاوه‌بر اینکه پیامدهای اجتماعی و محیط‌زیستی فراوانی دارد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به آثار تاریخی وارد می‌کند. همان اتفاقی که در جریان ساخت سد خرسان ۳ در حال وقوع است. به‌گفته «نوروز رجبی»، باستان‌شناس، ۲۶ محوطه تاریخی و یکی از بزرگ‌ترین گورستان‌های شناخته‌شده عیلامی با اجرای این پروژه نابود خواهند شد. وزارت میراث‌فرهنگی تا امروز در مقابل این پروژه منفعل بوده و به‌جای انجام وظایف و تکالیف قانونی بیشتر نقش نظارگر تخریب میراث‌فرهنگی داشته است. با اینکه کارشناسان معتقدند مطالعات نجات‌بخشی همچنان باید در محوطه‌های باستانی این محدوده ادامه داشته باشد، وزارت نیرو که مکلف به تأمین مالی پروژه‌های مطالعاتی است، از تأمین هزینه‌ها با ترفندهای مختلف سر می‌زند و با اتلاف وقت، همچون پروژه‌های مشابه، قصد دارد مخالفان و منتقدان را در برابر کار انجام‌شده قرار دهد.

از اوایل دهه ۸۰ه امکان‌سنجی و مطالعات جانمایی سد خرسان ۳ روی رودخانه‌ای با همین نام در شهرستان لردگان و مرز میان چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبوییراحمد آغاز شد. موضوع تخریب محوطه‌های باستانی این محدوده مطرح بود. باستان‌شناسان سه فصل کاوش در این منطقه انجام دادند و به نتایج و آثار ارزشمندی رسیدند. روند اجرایی طرح بارها به‌دلیل مختلف متوقف شد؛ همان‌طورکه مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسان،

حالا با دستوری که رئیس دولت برای از سرگیری و اتمام این پروژه صادر کرده، نگرانی‌ها دوباره آوج گرفته است. در کنار پیامدهای اجتماعی و محیط‌زیستی ساخت و آبرگیری این سد، تخریب محوطه‌های باستانی پنج‌هزارساله این منطقه هم کارشناسان و علاقه‌مندان به میراث‌فرهنگی را نگران کرده است. نوروز رجبی، باستان‌شناس و کارشناس رسمی قوه قضائیه که همراه با مدیران و کارشناسان منابع آب ایران و وزارت میراث‌فرهنگی از محل اجرای پروژه سد خرسان ۳ بازدید فصلی داشته، این سد را همچون سد سیمره، چم‌شیر و صدها پروژه عمرانی دیگر، قتلگاه منابع فرهنگی و تاریخی می‌داند و هشدار می‌دهد آبرگیری خرسان ۳ ایران را با بحران‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر و عمیق‌تری مواجه می‌کند.

بی‌اعتنایی به استقلال دستگاه قضا

رجبی با تشریح بعد قانونی این پروژه تأکید می‌کند: «سد خرسان ۳ ممنوعیت قانونی دارد.» به‌گفته او: «دادگاه در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، حکم قطعی به توقف ساخت سد داده است. این ممنوعیت، یعنی پروژه یک پیشینه و پرونده مسئله‌دار دارد؛ پرونده‌ای حاوی اوراق، مدارک و مستندات که دو سال وقت از دستگاه قضائی کشور را گرفته است. ما با استقلال دستگاه قضا را قبول داریم یا نداریم. اگر داریم، به آن عمل کنیم و اگر نداریم، حق نداریم خود را در سمت قانون ببینیم. اقدام رئیس دولت یک بی‌قانونی محض است. اینکه می‌بینم در کشور ما استقلال دستگاه قضا به هیچ گرفته می‌شود، برای من بسیار شگفت‌آور و برای مملکت زاینبار است.» او به تجربه‌ای جهانی دراینباره اشاره می‌کند که در یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انتقال نفت و گاز جهان (در منطقه آلاسکا) با اینکه پروژه پیشرفت بسیار زیادی کرده و منابع زیادی هزینه شده بود، به‌دلیل بررسی نشدن تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن -نه حتی اثرات زیست‌محیطی و میراث‌فرهنگی- قاضی محلی، حکم به تعطیلی پروژه داد و مجریان آن نت به قانون دادند. این تجربه یک سال و یک دهه پیش نیست، تجربه یک‌صد سال پیش در یک کشور توسعه‌یافته است.

رجبی معتقد است سد خرسان ۳ نه‌تنها حکم قضائی را نادیده گرفته، بلکه بدهد‌های قانونی برنامه چهارم و ششم توسعه و مصوبات هیئت وزیران در چندین دوره را هم نقض کرده است. نمی‌شود دائم از قانون و برنامه گفت و اهمیت آن را متذکر شد و در عمل آن را نادیده گرفت. او به الزامی که قانون برای دستگاه‌های اجرایی ایجاد می‌کند، اشاره می‌کند و اینکه پروژه‌های عمرانی باید در مرحله مطالعه و امکان‌سنجی از وزارت میراث‌فرهنگی استعلام بگیرند؛ اما این موضوع در این پروژه رعایت نشده است. تمامی این تخلفات در پرونده قضائی پروژه بررسی شده و حکم به توقف پروژه داده شده است. او تأکید دارد: «اینکه با لجاجت بر انجام یک پروژه مخرب اصرار ورزیده شود، مایه ناامیدی است. بحث منافع ملی

کاردان و متخصصی که بتوانند مشی کار را روشن کنند، شکل نمی‌دهند. از آن مهم‌تر، پژوهشگاه و پژوهشکده‌هایی که باید چنین مسائلی را پیشنهاد دهند و با تهیه طرح و سند و برنامه بتوانند اثرگذاری داشته باشند، دچار انفعال یا ناآگاهی‌اند.»

به‌اعتقاد او، در بدنه تخصصی و کارشناسی، بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به مدیران تصمیم‌گیر وجود دارد که می‌گویند مدیران به حرف و برنامه کارشناسی هیچ توجهی ندارد و کار خود می‌کنند. او به اظهارات پزشکبان درباره توجه به نظرات کارشناسی اشاره می‌کند و معتقد است: «وزرا، معاونان، مدیران کل در دولت، اولین ناقضان این سخنان رئیس‌جمهور هستند. همین امر باعث گسترش بی‌اعتمادی عمومی شده. در مورد سد خرسان ۳ علاوه‌بر این‌ها خود رئیس دولت هم نقض قانون کرده‌است.»

رجبی درباره فعال‌نبودن بدنه کارشناسی در حوزه میراث‌فرهنگی، می‌گوید: «آن‌طورکه بدنه کارشناسی و مدیریت وزارت نیرو و منابع آب در مراکز حساس چون دفتر رئیس دولت فعال‌اند، بدنه کارشناسی و مدیریتی وزارت میراث فعال نیست. درنتیجه، موضوع نادرست و اشتباه به مدیران تصمیم‌گیر منتقل می‌شود. آنها هم براساس همین داده‌ها و اطلاعات اشتباه تصمیم می‌گیرند. «رنه‌هایت چوب کاستی‌ها و ضعف‌های مدیریتی و کارشناسی وزارت میراث بر تن محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی و منابع فرهنگی ایران می‌نشیند.»

۲۶ محوطه باستانی و تاریخی زیر آب

یکی از هشدارهای رجبی، مربوط به حجم آثار تاریخی است که با ساخت سد از بین خواهد رفت. او می‌گوید: «در مخزن سد ۲۶ محوطه تاریخی به زیر آب می‌رود که شامل بزرگ‌ترین گورستان عیلامی شناخته‌شده در کشور هم می‌شود.» آن‌طورکه «رضا ناصری» مسئول کاوش‌های نجات‌بخشی این منطقه، گزارش داده است: «طی کاوش، ۳۶ گور و تعداد قابل‌توجهی اشیای سفالی، مفرغی و سنگی به دست آمد که پس از مقایسه آنها با اشیای سایر مناطق فلات ایران، مشخص شد گورستان دده‌دومن (دِه‌پایین) گورستانی است بزرگ که مدت زمان زیادی (از نیمه دوم هزاره سوم تا نیمه اول هزاره اول ق.م) در آن تدفین صورت می‌گرفته است.»

به‌گفته رجبی براساس کاوش‌های باستان‌شناسی و برآورد ارزش مادی اشیای مشکوفه، نزدیک به یک میلیارد دلار از مواد فرهنگی و تاریخی این محوطه‌ها درصورت آبرگیری سد نابود خواهد شد.» این باستان‌شناس با اشاره به سه فصل کاوش در محوطه «دِه‌دومن» که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه باستانی شناسایی‌شده در این منطقه است، می‌گوید: «آثار و مواد فرهنگی موجود در یک گورستان باستانی ۱۳هکتاری را نمی‌توان با سه فصل کاوش و بررسی ۴۰ گور نجات داد. از آن مهم‌تر، همین روزنه را وزارت نیرو با تخصیص ندادن منابع مالی مناسب، برای پژوهش‌های باستان‌شناسی متوقف کرده و برای کم‌ترین مبالغ ساعت‌ها با کارشناسان پژوهشگاه و پژوهشکده باستان‌شناسی که متخصص و مأمور به ارزیابی‌های لازم هستند، چانه می‌زند. به تجربه می‌گویم سطح و شَأن این جلسات گاهی به‌سبب همین چانه‌زنی‌ها مشمُزگننده می‌شود.»

پیشینه تاریک سدسازی در ایران

رجبی معتقد است این چرخه تخریب در پروژه‌های سدسازی سابقه‌ای طولانی دارد: «سد خرسان ۳ قطعاً مانند صدها پروژه عمرانی دیگر، ملاحظات میراث‌فرهنگی را رعایت نکرده است. البته سنگ بنای این مشکل از برنامه اول توسعه عمرانی اوایل دهه ۳۰ه پژوهش‌های باستان‌شناسی کافی نیست و باید شمول مطالعات را در همه حوزه‌های میراث‌فرهنگی اعم از ملموس و ناملموس در نظر گرفت: «پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده بسیار محدود است و افتاح-کننده نیست. در ملاحظات و شروط وزارت میراث‌فرهنگی برای این سد، پژوهش‌های مردم‌شناختی، زبان‌شناختی، عملیات و اجرای حفاظت -انتقال و جابه‌جایی آثار- مرمت و ایجاد موزه تخصصی برای نمایش آثار به-دست‌آمده از کاوش‌ها، هیچ جایگاهی ندارد. اگر کسی یک برگ کاغذ دراین‌باره دارد که شمول پژوهش‌های میراث جز باستان‌شناسی است، آن را ارائه کند. مگر میراث فرهنگی فقط باستان‌شناسی است؟»

به‌گفته او، کاش همان‌قدر که تأمین منابع مالی برای شرکت‌های پیمانکاری و پرداخت‌های دستمزد برای مدیران و تصمیم‌گیران سد اهمیت دارد، میراث فرهنگی و تمدنی ملی هم اهمیت داشت. او معتقد است: «در چنین پروژه‌هایی اصلاً به این فکر نمی‌کنند آثار و منابع فرهنگی در حال تخریب، ملی و بشری است و یا ساخت سد به چه سرنوشتی دچار می‌شود. هرگز فکر نکردند که این حجم از اشیاء به‌دست‌آمده در کاوش‌ها نیاز به یک موزه تخصصی دارد، نیاز به اجرای طرح‌های حفاظتی دارد. نایزند پژوهش درباره میراث ناملموس است.»

او به قصور وزارت میراث‌فرهنگی اشاره می‌کند و می‌گوید: «ضعف فقط در سازمان منابع آب ایران نیست؛ ضعف جدی در وزارت میراث‌فرهنگی ایران است که تکلیف و مأموریت شناخت، معرفی و حفاظت از آثار تاریخی کشور را دارد، اما در این زمینه ناکارآمد عمل کرده است. این مسئله که در دولت‌های مختلف دیده می‌شود، از ناکارآمدی‌های ساختاری سیستم است که اجزایش کم‌توان، سست و تبیل هستند. جنس کار

وزارت نیرو و منابع آب ایران این است که میراث را نشناسند، چرا خود وزارت میراث به چنین سطح از ناکارآمدی دچار شده است که برنامه‌ای برای منابع فرهنگی و ملی ندارد.»

رجبی درباره سازوکار صدور مجوز پروژه‌های عمرانی هم توضیح می‌دهد: «مرجع تصمیم‌گیری برای این طرح و طرح‌های مشابه در وزارت میراث‌فرهنگی (شورای فنی طرح‌های عمرانی» است که زیر نظر مستقیم معاونت میراث‌فرهنگی تعیین تکلیف می‌کند، چرا این شورا این ملاحظات و شروط را در طرح اتخاذ نمی‌کند و موضوع را به کاوش‌های محدود و اندک باستان‌شناسی تقلیل می‌دهد؛ بخشی از ایراد کار از بدنه کارشناسی و مدیریتی در این وزارتخانه است. اساساً ترکیب این شورا را افراد

مصالح نظام است. حفاظت از ایران فقط با ابزارهای نظامی میسر نیست؛ حفاظت از ایران ابتدا در درون و حوزه فرهنگی و اجتماعی است. میراث‌فرهنگی موضوع حقوق عمومی است.»

گسست پیوندهای اجتماعی

رجبی پروژه سد را از منظر اجتماعی نیز مخرب توصیف می‌کند. جابه‌جایی دهه‌ها روستا سبب ازبین‌رفتن ارتباط معنادار مردم با محیط و بستری است که در آن زیسته‌اند و حالا باید علقه‌ها و پیوندهای اجتماعی آنها گسسته شود. وابستگی‌های عاطفی مردم با زمین، جنگل و کوهستان از بین برود. او این روند را نوعی «استعمار و استثمار» می‌نامد که در‌ظاهر اقتصادمحور اما در عمل علیه مردم و منافع ملی است.

او به ابعاد محیط‌زیستی این پروژه اشاره می‌کند و می‌گوید: «میراث‌فرهنگی در پیوند با محیط‌زیست و بوم است؛ ما نمی‌توانیم محیط طبیعی را هرطورکه دلمان خواست دستکاری کنیم. سد خرسان ۳ یک دستکاری تمام‌عیار در حوزه محیط‌زیست است. زاگرس ستون فقرات ایران است؛ دو میلیون و ۴۰۰هزار درخت بلوط که ریه‌های ایران هستند، قرار است تخریب شوند.»

او معتقد است زیستگاه طبیعی دنا، با اجرای این پروژه آسیب جدی خواهد دید و از تجربه‌های تلخ دیگر شاهد می‌آورد: «این اتفاق دور نیست که همچون تجربه سد گئوند، انتقال آب به منطقه بروج و پروژه سبزآباد -که منابع آب خوب می‌داند در این مناطق چه کرده و چگونه چشمه‌ها را خشکانده است- این پروژه هم یک آسیب جدی به زاگرس و به پیگیره ایران خواهد زد. من از توتل انحرافی سد خرسان ۳ همراه با همکاران در منابع آب، وزارت میراث‌فرهنگی و پژوهشگاه میراث‌فرهنگی بازدید میدانی مفصلی داشتم؛ ده‌ها چشمه از دل این توتل جوشیده است. این چشمه‌ها، مسیرشان عوض شده. نمی‌شود چشمه را در جای دیگری خشکاند تا آب را به‌جای دیگر رساند.»

به‌باور او، برخی شرکت‌ها و افراد، منابع کشور را تبدیل به پروژه کرده‌اند: «پروژه‌کردن منابع زیستی و فرهنگی کشور کار درستی نیست و متأسفانه در سد خرسان، تمام این آسیب‌ها را به چشم می‌بینیم.»

گورستان‌های عیلامی چه اطلاعاتی به ما می‌دهند؟

نوروز رجبی درباره اهمیت محوطه‌های باستانی که با آبرگیری سد خرسان ۳ زیر آب خواهند رفت، می‌گوید: «در گورستان دده‌دومن یا ده‌پایین، گورهای پنج‌هزارساله شناسایی شده. این گورستان بزرگ‌ترین گورستان عیلامی شناخته‌شده کشور است.» او درباره اهمیت عیلامی‌ها در تاریخ ایران می‌گوید و تأکید دارد: «این گورستان مربوط به هزاره سوم و دوم پیش از میلاد و اقوام و جوامع خان‌سالار یا کوچ‌رویی است که میان دره‌ها و بلندی‌های زاگرس و دشت‌های خوزستان و سواحل خلیج فارس در آمدوشد بوده‌اند و حکمرانی می‌کرده‌اند.»

به‌گفته او، در این محوطه گورهای فردی و دسته‌جمعی وجود دارد که در آنها اشیای سفالی، سنگی و فلزی بسیاری به دست آمده است: «یکی از این اشیای فلزی مربوط به تقابل عیلامی‌ها با دشمنانشان در سرزمین میان‌رودان در هزاره سوم پیش ازمیلاد است؛ روایتی از تاریخ و فرهنگ این مردم و اینکه برای ساختن و حفظ این ایران تلاش زیادی شده است.»

رجبی به اهمیت نتایج علمی از یافته‌های استخوانی انسانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «یافته‌های استخوانی گورهای تاریخی منابع علمی عمی، علما و متخصصان حوزه انسانی و اجتماعی و زیستی هستند. پژوهشگران از این یافته‌ها DNA و ژنوم ملت‌ها را استخراج می‌کنند. علاوه‌بر سن و جنس افراد، بیماری‌ها، تغییرات آب‌وهوایی و رژیم غذایی ساکنان یک منطقه استخراج می‌شود.»

رجبی همچنین درباره سدهای دیگر منطقه دنا می‌گوید: «در مورد سد ماندگان نمی‌توانم اظهارنظر کنم، با اینکه از محل ساخت این سد بازدید کرده‌ام، اما اطلاعات پایه را نداریم؛ چون بررسی‌های باستان‌شناسی انجام نشد و دانسته‌های ما مبتنی‌بر پژوهش نیست و نمی‌دانیم چند اثر تاریخی در آنجا وجود دارد. اما معتقدم سد خرسان ۳ خلاف منافع ملی و خلاف آینده ایران است، خلاف مقررات و قوانین جاری کشور است و از هر نظر به کشور آسیب خواهد زد.»

به‌نظر می‌رسد با پیشروی عملیات اجرایی و بی‌توجهی به هشدارهای کارشناسان، پرونده سد خرسان ۳ تکرار همان چرخه‌ای است که در سیوند، سیمره و چم‌شیر و ده‌ها سد دیگر منجر به نابودی آثار تاریخی شد. ۲۶ محوطه تاریخی و سیاستی اشتباه و اصرار بر همان اشتباهات تاریخی گرفتار شده‌اند. باید دید این بار مردم با رهبری سمن‌ها و نهادهای مدنی می‌توانند پیروز این ناعزعه غلط و ناپجا که مدیران بر مملکت تحمیل کرده- اند، باشند یا نام یک سد دیگر به کارنامه سیاه سدسازی

منجر به تخریب میراث‌فرهنگی در ایران اضافه خواهد شد.



چهارمحال بختیاری

ارتقای جایگاه آزمایشگاه فنی چهارمحال وبختیاری با تکیه بر کیفیت

مرتضی شاهوردی - مرتضی شاهوردی، مهندس حبیب‌پور مدیر آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک استان، در نشست خبری گرامیداشت روز ملی کیفیت، کیفیت را «فرهنگی سازمانی» دانست که باید در تمام چرخه طراحی، اجرا و نظارت پروژه‌ها جاری باشد. او تأکید کرد کیفیت نباید به یک شعار تقلیل یابد؛ بلکه باید از مرحله برنامه‌ریزی تا بهره‌برداری در ساخت‌وسازها نهادینه شود.

مدیر آزمایشگاه با اشاره به اقدامات این مجموعه گفت: طی سال‌های اخیر با بهره‌گیری از تجهیزات نوین، توسعه منابع انسانی متخصص و استقرار نظام مدیریت کیفیت، جایگاه آزمایشگاه استان در سطح ملی ارتقا یافته است. او افزود: همکاری مشترک با دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی استان، امکان تبادل دانش و ارتقای استانداردهای فنی را فراهم کرده است. به گفته حبیب‌پور، تنها در سال جاری هزار نمونه خاک، مصالح و آسفالت مرتبط با پروژه‌های عمرانی استان مورد بررسی قرار گرفته است؛ فرایندی که به گفته او نقش مؤثری در جلوگیری از خسارات، کاهش هزینه‌های تعمیرات و افزایش عمر مفید پروژه‌ها داشته است.

او با اشاره به اهمیت روز ملی کیفیت اظهار کرد: توسعه پایدار بدون توجه به کیفیت، مسیرروشنی پیش‌رو ندارد. حبیب‌پور تأکید کرد آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک استان با پیش مستمر پروژه‌ها، آموزش‌های تخصصی و به‌روزرسانی تجهیزات، خود را متعهد به تداوم مسیر تعالی و پشتیبانی علمی از طرح‌های عمرانی می‌داند.

فارس

توسعه ظرفیت صنعتی شهرستان ممسنی؛

اجرای طرح ۳۵ هکتاری شهرک صنعتی نورآباد شتاب می‌گیرد

ورفع موانع پیش‌روی واحدهای صنعتی در شهرک صنعتی نورآباد اولویت جدی ماست. او افزود: توسعه خدمات زیربنایی از جمله راه‌اندازی و فعال‌سازی تصفیه‌خانه فاضلاب که پیش‌ازاین احداث

شده و تقویت زیرساخت‌های آب و برق در دستور کار قرار دارد و در این زمینه از فرماندار انتظار داریم نسبت به تخصیص اعتبارات از منابع عمرانی شهرستان بخش صنعت را حمایت کنند. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی فارس در ادامه با اشاره به تقاضای سرمایه‌گذاران و تکمیل بخش زیادی از اراضی موجود گفت: اجرای طرح توسعه۳۵ هکتاری شهرک صنعتی نورآباد یک ضرورت اساسی برای افزایش ظرفیت صنعتی شهرستان است که در دستور کار قرار دارد.

اوافزود: احیای واحدهای راکد، تسهیل روند فعالیت سرمایه‌گذاران، رفع مشکلات موجود وافزایش سرعت عملیات اجرایی طرح توسعه از برنامه‌های محوری شرکت شهرک‌های صنعتی فارس است پس انتظار داریم با همراهی فرمانداری و دستگاه‌های شهرستان، مسیر توسعه شهرک هموارتر شود. فرماندار ممسنی نیز در این نشست ضمن اعلام حمایت کامل از اجرای طرح توسعه ۳۵ هکتاری، تأکید کرد که توسعه شهرک صنعتی نورآباد نقش مهمی در رونق اقتصادی شهرستان دارد و دستگاه‌های اجرایی شهرستان آمادگی دارند همکاری لازم را برای تسریع در اجرای این طرح ارائه دهند.

برگزاری جشن کتاب در روستای رودبار بندر خمیر

قاسمی - جشن کتاب در روستای رودبار بندر خمیر در غرب هرمزگان برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، همزمان با سی و سومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، آیین جشن کتاب با استقبال گسترده مردم و مسئولان محلی در روستای رودبار شهرستان بندرخمیر برگزار شد. برنامه‌ریزی اجرای این جشن به همت شورای اسلامی و دهیاری روستا و با حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بندر خمیر انجام شد و با اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی همراه بود. معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان در این آیین حضور یافت و بر تداوم اجرای برنامه‌های ترویج کتاب خوانی در مناطق روستایی و عشایری تأکید کرد. محمد میردادی در سخنان خود برقراری عدالت فرهنگی را به‌عنوان سیاست اصلی دستگاه فرهنگی استان عنوان کرد و افزود: در راستای ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی، امسال برنامه‌های متعددی برای روستاها و مناطق عشایری و مناطق کم‌برخوردار پیش بینی شده است.

پیام ایران

مدیرعامل شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان؛

۷۰درصد مشترکین گاز خانگی کم‌مصرف هستند

عباس نژاد، سیستان و بلوچستان – براساس بررسی‌های انجام‌شده و با هدف بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی، میزان مصرف گاز مشترکین خانگی با احتساب میانگین پنج سال گذشته در هر شهر، در چهار پله طبقه‌بندی شده است.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان، سید محمود هاشمی مدیرعامل این شرکت دراین خصوص گفت: پله اول تحت عنوان مشترکین کم‌مصرف در برگیرندهٔ ۷۰ درصد از مشترکین با میزان مصرف تا ۵۰ درصد میانگین مصرف ۵ سال گذشته هستند. پله دوم مربوط به مشترکین با مصرف متوسط است و ۱۸ درصد از مردم را شامل می‌شود و شامل مشترکینی است که مصرفشان بین ۵۰ تا ۷۵ درصد میانگین پنج سال اخیر است. پله سوم، گروه پرمصرف‌ها هستند که ۱۰ درصد از مشترکین را در بر می‌گیرد و مصرفشان بین ۷۵ تا ۹۵ درصد میانگین پنج سال اخیر است و در نهایت، تنها ۲ درصد از مشترکین خانگی در زمره مشترکین بسیار پرمصرف هستند که ۹۵ درصد میانگین پنج سال گذشته گاز مصرف می‌کنند.

هاشمی تأکید کرد: این دسته‌بندی‌ها با هدف مدیریت بهینه منابع گاز کشور و تشویق مردم به مصرف بهینه ایجاد شده است و نقش مهمی در کاهش هدررفت انرژی دارد و اطلاع‌رسانی به مشترکین درباره سطح مصرف و قرار گرفتن در هر پله، می‌تواند انگیزه‌ای برای رعایت‌الگوی مصرف بهینه ایجاد کند و این اقدام بخشی از برنامه ملی مدیریت مصرف انرژی در کشور محسوب می‌شود.

سیستان و بلوچستان

دیدار رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

میناب با کارکنان کتابخانه عمومی

قاسمی - رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان میناب به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی با رئیس و کارکنان کتابخانه‌های عمومی این شهرستان دیدار و گفتگو کرد. به گزارش روابط‌عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، مصطفی کریمی در دیدار با رئیس کتابخانه عمومی شهرستان به مناسبت گرامیداشت هفته کتاب و کتابخوانی ضمن تبریک هفته کتاب و کتاب‌خوانی به اهالی فرهنگ و اندیشه و کتابداران شهرستان گفت: کتابخانه‌های عمومی، درگسترش دانش و ارتقای میزان آگاهی‌های عمومی جامعه نقش به سزایی دارند. به تعبیری، عزم این نهاد، کمک به بالندگی و شکوفایی استعدادهای فردی، در راستای تولید اندیشه، علم و غنای فرهنگ جامعه است. کریمی بیان کرد: کتابخانه، نهادی است که با در اختیار داشتن بخش قابل‌توجهی از دانش، زمینه بهره‌گیری مناسب از اندوخته‌های بشری را فراهم می‌آورد و با تأمین فرصت‌های لازم، امکان آموختن همیشگی را برای اعضای جامعه مهتّا ساخته و بر پیشرفت حیات اجتماعی می‌افزاید و با این توصیف، وظیفه همگان است که با استقبال از این مکان ارزشمند، بر شکوفایی استعدادهای نهفته میهن اسلامی مان بیفزایند او افزود: با مطالعه و کتاب‌خوانی می‌توان روزه‌های روشنی را برای آنگذیان خلق و مهارت زندگی و رسیدن به جامعه عدالت‌محور بدون مطالعه به وجود نمی‌آید و لازم است از تمام ظرفیت‌ها فرهنگی و آموزشی این شهرستان برای توسعه و ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی استفاده شود.

خیلان

آغاز هماهنگی‌ها برای اجرای طرح داناب در مدارس گیلان

پس‌آزمون، ارائه محتوای کمک‌درسی در مدارس و جمع‌آوری آثار دانش‌آموزی است. آثار منتخب دانش‌آموزان در قالب نقاشی، کاردستی، کلیپ آموزشی و پاورپوینت در نمایشگاه ویژه طرح داناب به نمایش گذاشته خواهد شد. بر اساس برنامه زمان‌بندی ارائه‌شده از سوی شرکت مدیریت منابع آب ایران، اجرای طرح باید تا نیمه نخست اسفندماه به پایان برسد و اختتامیه آن توسط شرکت آب منطقه‌ای گیلان برگزار شود. رضا تعلیمیان، مدیر دفتر حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب استان، نیز در این جلسه بر ضرورت مشارکت همه اقشار جامعه در حفظ منابع آبی تأکید کرد و گفت: آموزش دانش‌آموزان اقدامی بنیادی برای تضمین امنیت آبی استان در سال‌های آینده است. او اجرای دقیق و منظم طرح داناب را ضروری دانست و خواستار همکاری کامل آموزش و پرورش با آب منطقه‌ای گیلان شد. در ادامه، عرفان پرفکر، کارشناس آموزش دوره اول متوسطه آموزش و پرورش استان، ضمن اعلام آمادگی برای همکاری در اجرای طرح، به اهمیت انتخاب دبیران و دانش‌آموزان منتخب از مناطق مختلف آموزشی اشاره کرد و گفت تقدیر و حمایت آب منطقه‌ای گیلان از دبیران و سرگروه‌های آموزشی، انگیزه مهمی برای اجرای موفق طرح در سال تحصیلی جدید است. این نشست با تأکید مشترک بر ضرورت آگاهی‌بخشی هدفمند به نسل جوان و نقش آموزش و پرورش در مدیریت پایدار منابع آب پایان یافت.



خزر در آستانه نقطه بی‌بازگشت اکولوژیک

با کم‌عمقی آب مواجه شده‌اند و بعضی تنها با ۴۰ تا ۶۰ درصد ظرفیت واقعی فعالیت می‌کنند. در حوزه شیلات نیز کاهش جمعیت ماهیان خاویاری ادامه فعالیت این صنعت را به‌شدت تهدید کرده و در بخش گردشگری، عقب‌نشینی خط ساحلی در برخی مناطق شمالی ایران به ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر رسیده است. او پیش‌بینی کرد درآمد اقتصادی سواحل جنوبی خزر تا سال ۱۴۱۴ بین ۲۵ تا ۳۵ درصد و بهره‌وری اقتصادی این مناطق تا ده سال آینده ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش یابد.

منصوری درباره اثر این بحران بر منابع آب شرب مناطق ساحلی نیز هشدار داد. او توضیح داد با افت سطح آب و کاهش آب‌های زیرزمینی، جهت جریان هیدرولیکی معکوس شده و آب شور به سفره‌های آب شیرین نفوذ می‌کند؛ پدیده‌ای که اکنون در شهرهایی مانند بابلسر و بهشهر مشاهده شده است. به گفته او در برخی چاه‌های آب شرب، شوری تا دو تا سه برابر حد مجاز گزارش شده و این موضوع ضمن کاهش کیفیت آب، هزینه تصفیه را افزایش می‌دهد و خطر بیماری‌های کلیوی را بیشتر می‌کند.

این استاد دانشگاه افزود بحران خزر تنها زیست‌محیطی نیست و پیامدهای اجتماعی عمیقی دارد. از دست رفتن مشاغل مرتبط با صیادی، گردشگری و خدمات بندری، تشدید مهاجرت اجباری ساکنان روستاها و شهرهای ساحلی به کلان‌شهرها و افزایش تنش اجتماعی میان مردم و نهادهای دولتی، از تبعات جدی این روند است. منصوری تأکید کرد اگر مداخله فوری و برنامه‌ریزی‌شده انجام نشود، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی سواحل خزر طی کمتر از یک دهه با خساراتی روبه‌رو می‌شود که جبران آن ممکن نخواهد بود.

عنوان

توانمندسازی خانوارها

بانیروگاه‌های

خورشیدی میرجاوه

عباس‌نژاد، سیستان و بلوچستان – محمدرضا میری، مدیرکل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان، در آیین آغاز احداث نیروگاه‌های خورشیدی حمایتی در میرجاوه، این طرح را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های توانمندسازی و ایجاد درآمد پایدار برای خانواده‌های تحت حمایت عنوان کرد. او گفت سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه خورشیدی، رویکردی محوری در برنامه‌های اشتغال این نهاد است و اجرای این طرح در میرجاوه نمونه موفق‌ی از این نگاه آینده‌نگر به شمار می‌رود. میری با اشاره به اقلیم آفتابی سیستان و بلوچستان افزود: میرجاوه از ظرفیت بالایی برای تولید انرژی خورشیدی برخوردار است و بهره‌گیری از این توان طبیعی می‌تواند در بهبود معیشت، کاهش آسیب‌های اقتصادی و تقویت رفاه خانوارهای کم‌برخوردار مؤثر باشد. به گفته او، نیروگاه‌های خورشیدی علاوه‌بر ایجاد درآمد پایدار، به ترویج فرهنگ انرژی پاک و کاهش مصرف انرژی نیز کمک می‌کنند. وی حضور معتمدان، ریش‌سفیدان و مسئولان محلی در این مراسم را نشانه همراهی جامعه با برنامه‌های توانمندسازی دانست و تأکید کرد موفقیت چنین طرح‌هایی بدون مشارکت مردم و همکاری نهادهای محلی امکان‌پذیر نیست. مدیرکل کمیته امداد اجرای نیروگاه‌های حمایتی را اقدامی مؤثر در افزایش تاب‌آوری اقتصادی خانوارها، تقویت عدالت انرژی و توسعه زیرساخت‌های پایدار عنوان کرد و گفت این نهاد اجرای طرح‌های مشابه را در سایر مناطق استان نیز ادامه خواهد داد. شهرستان مرزی میرجاوه در ۷۵ کیلومتری شرق زاهدان واقع شده است.

گلستان

دیدار مدیرکل ارشاد

گلستان با نماینده

غرب استان

گلستان، حبیبه مومنی - مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان میزانان نماینده مردم شهرستان‌های بندرگز، گمیشان، کردکوی و ترکمن در مجلس شورای اسلامی شد و طرفین ضمن گفت‌وگو درباره اولویت‌ها و نیازهای فرهنگی و هنری، درباره پروژه‌های عمرانی به گفت‌وگو نشستند.

مومنی، گلستان: به گزارش روابط‌عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، احمد گلچین مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان میزانان عبدالجلال ایری، نماینده مردم شهرستان‌های بندرگز، گمیشان، کردکوی و ترکمن در مجلس شورای اسلامی شد و در فضایی صمیمی پیگیر مسائل فرهنگی و هنری و اولویت‌ها و مطالبات مردم این مناطق شدند.
دراین دیدار طرفین درباره ظرفیت‌های مولدسازی، پیگیری تأمین اعتبار تکمیل پروژه‌های عمرانی محدوده غرب استان از منابع ملی و استانی، ساختمان فرهنگ و ارشاد اسلامی در گمیشان به گفت‌وگو نشستند. همچنین فعال‌شدن انجمن‌های فرهنگی و هنری، رصد نیازهای استان برای سفر رئیس‌جمهور سالن نوکنده، کتابخانه کردکوی، سینما بندر ترکمن، نیازهای سخت‌افزاری سالن کردکوی نیز مسائلی را عنوان داشتند.
طرفین همچنین در پایان برخی امکان‌ها و ویژگی‌های هر شهرستان را با هدف رونق گردشگری فرهنگی و اقتصاد هنر برشمردند و برای اجرایی‌کردن برخی طرح‌های پیشنهاد شده به تبادل نظر نشستند.

اصفهان

تجاری‌سازی محصولات

گیاهان دارویی

خراسان جنوبی

خراسان جنوبی، کرمانی- رئیس جهاددانشگاهی خراسان جنوبی از آغاز تجاری‌سازی محصولات فراوری‌شده مجتمع تحقیقات گیاهان دارویی این نهاد تا پایان سال جاری خبر داد. مجتبی ابراهیمی رومنجان در جمع خبرنگاران گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، محصولات دانش‌بنیان و ثبت‌شده این مجتمع وارد بازار خواهد شد و روند بهره‌برداری اقتصادی از دانش فنی تولیدشده در سال‌های اخیر شتاب می‌گیرد. او با اشاره به اقدامات زیرساختی افزود: سوله‌های تخصصی برای بسته‌بندی و فراوری گیاهان دارویی در حال تجهیز و راه‌اندازی است و این زیرساخت‌ها امکان تولید انبوه و عرضه تجاری محصولات را فراهم می‌کند. به گفته وی، همکاری با شرکای تجاری از طریق تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای رسمی زمینه ورود این محصولات به بازار را مهیا کرده است.

ابراهیمی رومنجان، مرجعیت علمی مجتمع در حوزه دانش فنی محصولات فراوری‌شده را نقطه اتکای مرحله تجاری‌سازی دانست و تأکید کرد: اکنون زمان ورود دستاوردهای علمی و ثبت‌شده این مجموعه به عرصه اقتصاد است. او افزود: مجتمع تحقیقات گیاهان دارویی طی سال‌های اخیر با ثبت اختراعات، شناسایی گونه‌های جدید، تولید محصولات فراوری‌شده و اجرای پروژه‌هایی مانند اطلس گیاهان دارویی، جایگاه قابل توجهی در کشور کسب کرده است.



